

### متن پرسش

با سلام و احترام خدمت استاد عزیز: در ده نکته از معرفت نفس فهمیدیم که حقیقت انسان من اوست و تن ابزار، و چیستی من همان هست اوست و مجرد زمان و مکان ندارد و من نظر به تن دارد و در برهان صدیقین فهمیدیم که یک وجود در صحنه هست آن هم خداست و هر چه هست تجلی عین وجود است که تجلی کرده و این عالم هم پایین ترین مرتبه وجود است از همان تجلی. و خدا گفته شد که همه جا هست و به تمامه هست مثل من در بدن که همه جاست و گاهی در بینایی گاهی در شنوایی و غیره ظهور و تجلی می کند و باز روشن شد که خدا همه جا حضور دارد و ظهورات متفاوت دارد مثل همان من. سوال من این است که از آنجایی که تمام هستی تجلی حضرت حق است و بود ما و هستی همان ربطمان به خداست و همان طور که خدا اراده کرده و این هستی را تجلی کرده و مرتب فیض می رساند و اگر اراده کند فیض قطع شود تمام این ممکن الوجودات نیست می شوند مطلب اینجاست که آیا کل این عوالم از مجردات گرفته تا این پایین ترین مرتبه عالم ماده فعلی، همه در اراده خدا اتفاق می افتد؟ یا مطلب بطور دیگر است چون خدا تجرد شدید دارد و دانستیم که خدا شبیه هیچ چیزی نیست مثل من انسان که فقط هست حال اگر ما اراده چیزی کنیم بدون نیاز به جا در ذهنمان محیاست آن هم به اراده خدا ولی خدا چگونه تجلی می کند در اراده خودش آخر خودش که ثابت است و حرکت ندارد این عوالم نیاز به حرکت دارند تا به ثبات برسند خلاصه این مطلب چگونه جمع می گردد این هستی در چه حالتی اتفاق می افتد آیا جز در اراده خداست؟ با تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: باید متوجهی نسبت وجود عالم با خدا شد و این که وجود عالم، عین ربط به حضرت حق است و بودن عالم همان ربط به حق بودن است. در این حالت است که این فرض مطرح می شود که اگر رابطه قطع شود، بودن عالم یعنی وجود آن دیگر محقق نیست. حال آیا عالم در وضعیتی قرار می گیرد که از طرف حضرت حق و بر اساس سنن ثابت او ارادهی دیگری محقق شود یا نه، والله اعلم. موفق باشید